

کولبری که مشکلات را دریبل زد

گفت و گو با «فر دین رابط»، بازیکن دهه هشتادی استقلال که روز گاری کولبری می کرد و حتی شب ها در پارک می خوابید و کیفیت بازی اش باعث شگفتی استر اما چونی شده بود



عکس: میثم دهقانی

محمد علی محمدپور آروز نامه نگار

پرونده

در روز هایی که فوتبال کشور مان شرایط سالمی را نمی گذراند و در آن پول های عجیب و غریبی رد و بدل می شود، تصور ش بسیار دشوار است که جوانی بدون پارتی اهل یک شهر ستان کوچک با وضع نامناسب مالی، امکانش را داشته باشد به حق خودش در این فوتبال برسد. اما واقعیت این است که آدم هایی هم پیدا می شوند که شکست را هیچ جوره نمی پذیرند. آن ها خوب می دانند نیامده اند که له شوند. پس مانند قهرمان تا آخر فیلم با صورت زخمی می ایستند و می جنگند. جنگیدن با موانع و مشکلات، کسب و کار آن هاست. آن ها به دنیا آمده اند تا شخصیت یک داستان با پایان خوش باشند. در این پرونده با فر دین رابط جوان دهه هشتادی همکلام شده ایم که از شهر مرزی پیرانشهر تار سیدن به ترکیب تیم محبوبش استقلال با موانع بسیاری جنگیده ولی ناامید نشده است. شاید هنوز زود باشد که از او یک قهرمان بسازیم اما بی شک او تا همین جا هم فارغ از هر اتفاق دیگری، قهرمان زندگی خودش بوده است. او بار ها خط خورده، دست در به سینه اش زده شده، به نیمکت چسبیده و مجبور شده در پارک بخوابد اما فکر رسیدن به اهد افش نگذاشته مایوس و سر خورده شود. فر دین رابط امروز یکی از بازیکنان تیم استقلال است که بسیار منتظر فرصت است تا با درخشش در ترکیب استقلال به همه خودی نشان دهد. در خور ذکر است که او در دو هفته اخیر لیگ برتر به عنوان بازیکن تعویضی پا به مستطیل سبز برای تیم محبوبش گذاشته است. گفت و گوی ما را با این جوان با انگیزه که داستان زندگی اش یک جور هایی باور کردنی نیست، در ادامه می خوانید.

چندین بار بدون اطلاع خانواده کولبری کرده ام

شهر های مرزی وضعیت اشتغال و درآمدزایی خوب نیست، من هم با همه این مشکلات مواجه بودم اما هیچ وقت ناامید نشدم و به هدفی که داشتم فکر می کردم. امروز هم که به آن روز ها نگاه می کنم، خوشحالم که این مسیر را پشتکار جلو آمدم و هیچ وقت دوست ندارم این گذشته را فراموش کنم. حتی چند بار بدون اطلاع خانواده کولبری کرده ام. کولبری مساوی با امضا کردن حکم مرگ است، اما از روی مجبوری این کار را انجام داده ام و خیلی از مردم آن منطقه مجبورند انجامش دهند».

یک نیمکت نشینی سرنوشت ساز داشت



شاید بتوان گفت یکی از سخت ترین کارها برای یک فوتبالیست، تماشا بازی تیمش از روی نیمکت باشد. فر دین رابط هم یک نیمکت نشینی عجیب داشته که به جرئت می توان گفت اگر تحلیش نمی کرد روزی هر چه چیز می زد، ممکن بود امروز اصلا جایگاه فعلی اش را نداشته باشد. او می گوید: «بعد از تراکتور سازی من به تیم ملی جوانان دعوت شدم. خبر دعوت به تیم ملی را یکی از دوستانم به من داد. من که اینترنت نداشتم، رفتم کافی نت و آن جا فهمیدم به تیم ملی دعوت شده ام. در ادوی تیم ملی، بعد از مدتی حضور خط خوردم. داشتم به شهر مان بر می گشتم که متوجه شدم آقای نوازی و عمران زاده برای پیوستن به آکادمی استقلال (رده های قبل بزرگ سالان) تست می گیرند. من تست دادم و خوشبختانه قبول شدم. در کنار تیم تمرین می کردم و وضع خوب شده بود که آقای نوازی و عمران زاده از تیم رفتند. هادی شکوری جای آن ها آمد و گفت باید دوباره تست بدهم. دوباره تست دادم و باز هم ماندگار شدم. مدتی نیمکت نشین بودم تا این که بالاخره یک بازی ثابت به من رسید و من نهایت سعی ام را کردم تا خودم را اثبات کنم. خوشبختانه آن بازی را آقای پور موسوی مربی تیم ملی جوانان دید و من دوباره به تیم ملی دعوت شدم اما از تیم ملی جوانان مجدد خط خوردم. همه آن هایی که خط خوردند برگشتند شهرهایشان. به من هم گفتند اگر می خواهی بازی آخر امی توانی روی نیمکت بنشینم و گرنه می توانی برگردی به شهرت. من اما تصمیم گرفتم آخرین بازی هم روی نیمکت بنشینم. آن اتفاق سرنوشت ساز برای من منجر به افتداد. در عین همین روز کاپیتان تیم در دقیقه ۸۰ بازی مصدوم شد و من رافر ستاندن توی زمین. من هم از این بودن نهایت استفاده را کردم و دقیقه ۸۸ با یک نفوذ و دریافت توپ با دروازه بان تک به تک شدم و گل زدم. همین گل و حضور کوتاه باعث شد همان جا پیراهنم را به من برگردانند و در تیم ملی باقی بمانم».



توی پارک خوابیدم اما ناامید نشدم

فر دین درباره روز های سختش برای ورود به تراکتور سازی می گوید: «من آن دوره که برای تست دادن به تبریز رفته بودم، چون وضع خوب نبود شب ها توی پارک چادر می زد و می خوابیدم. یک روز مربی متوجه شد که من شب ها را توی پارک می خوابم و خیلی ناراحت شد. به من گفت فعلا بروم به خوابگاهی که در نظر گرفته اند تا وضع درست شود. پولی هم به من دادند که ۲۰۰ هزار تومان بود. من هم که در این مدت غذای درستی نخورده بودم و به قولی با ساقه طلایی سر می کردم به اولین غذاخوری که رسیدم چند دست کباب خوردم. خیلی دلم برای کباب خور دن تنگ شده بود. انرژی عجیبی گرفتم. خوشحالم که آن روز ها را پشت سر گذاشتم و توانستم در جوانان تراکتور سازی خودم را تا حدودی ثابت کنم. به تیم ملی جوانان هم رسیدم و همه چیز داشت خوب پیش می رفت که متأسفانه مربی ام آقای حسن دخت فوت کرد». او درباره علت جدایی اش از تراکتور سازی می گوید: «فوت آقای حسن دخت تاثیر زیادی بر من گذاشت. بعد از آقای حسن دخت دیگر نتوانستم جایگاه مناسب خودم را داشته باشم. من رافر ستاده بود و دغدغه دفاع راست که پست مورد علاقه ام نبود. بعد که گذشت و فصل تمام شد من آن جا راترک کردم».

وناگهان استر اما چونی انتخابم کرد

ماجرای پیوستن فر دین رابط به استقلال هم به اندازه ماندنش در تیم ملی جالب است. رابط درباره نحوه دعوتش به تیم ملی بزرگ سالان استقلال می گوید: «به همراه تیم ملی جوانان باید یک بازی با تیم بزرگ سالان استقلال می کردیم. من از نیمه دوم شانس بازی کردن پیدا کردم. ابتدای حضورم خیلی نتوانستم خودم را در زمین پیدا کنم تا این که بالاخره توانستم با دریبل کردن و جا گذاشتن چند بازیکن گل بزنم. بعد از زدن گل بسیار خوشحال بودم اما این خوشحالی را به خاطر علاقه ام به استقلال نشان ندادم. بعد از پایان بازی متوجه شدم که استر اما چونی به سمت آمد. چند کلمه ای به زبان خارجی با من حرف زد که من فقط Very good گفتم. هایش را فهمیدم. در ادامه آقای زربنجه آمد و گفت که استر اما چونی من را خواسته و می خواهند با من قرارداد ببندند. باور کردنی نبود. من موقع بستن قرارداد بدون این که آن را بخوانم یا به آوردن فکر کنم آن را به عشق استقلال امضا کردم. بالاخره من به آرزوی دیرینه خودم رسیده بودم».



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۹
اول جمادی الاول ۱۴۴۲ ۱۶ دسامبر ۲۰۲۰
شماره ۳۰۵۵۰

۱۷۷۰

۱۱ علامت هشدار دهنده

۲ حمله کرونا به قلب و عروق

مراقبت از پوست کودکان

۲ در فصل زمستان

۷ عادت خود ویرانگر

۳ و شیوه های حذف شان

رپتایل ها؛ خزندگان فرازمینی

کنترل کننده جهان

تصاویر آهسته از حرکات

چشم سحرینتی های معروف

۴ یک شایعه عجیب راقوت بخشیده است

وریا غفوری از جیب خودش برای درمان من هزینه کرد

فر دین رابط به عنوان یک جوان باغیرت و جنگنده به معنای واقعی با مبارزه توانسته جایگاه مورد علاقه اش را به دست بیاورد. او می گوید: «همه اقوام ایرانی عزیز و محترم هستند اما کرد ها را همه به زحمتش و قوی بودن می شناسند».

کردها آدم های مهمان نواز و مهربانی هستند. شما پیش هر کس از کردها بگویید، احتمالا یک خاطره خوب از برخورد با آن ها دارد. من از همان ابتدای حضورم در استقلال از این که هم بان آقاوری هستم و در کنار ایشان قرار گرفته ام بسیار خوشحال بودم. آقای وریا غفوری خیلی هم به من کمک کردند. به من امید و انرژی دادند که هیچ وقت ناامید نشوم. او همیشه به من می گوید جوری بازی کنم که انگار بازی آخرم است. آقاوری با رفتارش و درخشیدنش هم ما کردها را سرافراز و هم خودش را بین مردم محبوب کرده است. در دورانی که به کرونا مبتلا بودم هم آقای غفوری هیچ چیز کم نگذاشت و از جیب خودش برای درمان من هزینه کرد».

مسی و رونالدو هم سختی کشیده اند

رابط حالا که سختی های زیادی را پشت سر گذاشته و به رویاهایش نزدیک و نزدیک تر می شود، درباره دشواری های زندگی اش می گوید: «من فکر می کنم توی زندگی همه سختی و مشکلات وجود دارد. شما زندگی فوتبالیست های بزرگ را هم که ببینی همین موضوع وجود داشته است. از زندگی آقای بیرانوند که خودش در رسانه ها آتش صحبت کرده بغیر تازندگی ستاره های فوتبال جهان مثل مسی و رونالدو. من از رونالدو به خاطر پشتکاری که داشته و زحمات بسیار زیادی که کشیده خیلی خوشم می آید. مسی را به خاطر نبوغی که داشته اما ستایش می کنم. او در بچگی بیماری داشته اما ناامید نشده است. من به همه جوانان همشهری و هموطنم می گویم که وقتی هدفی دارند برای آن تلاش کنند. توکل به خدا را فراموش نکنند. بدانند که شهرستانی بودن مشکلات دوچندانی دارد، اما آن ها باید با تلاش بیشتر، راه مقابل شان را هموار کنند. من همیشه سعی می کنم به جنبه های مثبت هر قضیه ای نگاه کنم». رابط درباره آرزویش برای آینده می گوید: «اول از همه دوست دارم در استقلال موفق باشم و در دل هواداران جا بگیرم. در ادامه هم دوست دارم روزی لژیونر بشوم و به تیم ملی دعوت شوم. برایم پیشرفت و بهترین شدن از هر چیزی مهم تر است».



از حضور در استقلال لذت می برم



مدت کوتاهی پس از آمدن رابط به استقلال، استر اما چونی هم می رود اما خوشبختانه فر دین رابط امکان ماندن در استقلال را پیدا می کند. او در پاسخ به شرایط روز های مربیگری مجیدی و این روز های استقلال می گوید: «من را استر اما چونی خواسته بود و همین باعث شد در استقلال بمانم و خیلی سخت تمرین کنم اما مدت کوتاهی بعد استر اما چونی رفت. بعد ایشان آقای مجیدی آمدند و تازه دوباره شرایطم داشت خوب می شد که مبتلا به کرونا شدم. مدتی بازی ها را به همین دلیل از دست دادم. خدا را شکر توانستم برگردم و این روز ها هم با حضور آقای فکری شرایط خوبی داریم و همه تیم همدل هستیم. الان در پست های وینگر چپ و راست و مهاجم بازی می کنم. در پست من افراد خوبی مثل قانادی و مطهری بازی می کنند که بازیکنان خیلی خوبی هستند. من در کنار آن ها سعی می کنم اول از همه تجربه و مهارت لازم را کسب کنم. من از حضور در استقلال لذت می برم به خصوص که کاپیتان خوبی مثل وریا غفوری داریم و او همه جور حامی من بوده است».